

English
Collocation
in use

How words work together
for fluent and natural
English

Self-study and classroom
use

Michael McCarthy
Felicity O'Dell



سرشناسه	مکارتی، مایکل McCarthy Michael
عنوان و نام پدیدآور	کاربرد واژه‌های همجوار در زبان انگلیسی / [مایکل مکارتی، فلسینی اودل] مترجم: محمود نورمحمدی
مشخصات نشر	فروین، پرک، ۱۳۹۰
مشخصات ظاهری	۳۰۸ ص. مصور رنگی.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۴۱۴-۲۶-۴
یادداشت	عنوان اصلی: English collocation in use: how words work together for fluent and natural English self-study and classroom use
موضوع	زبان انگلیسی - اصطلاح و تعیرها
موضوع	با هم آیی (زبان‌شناسی)
موضوع	زبان انگلیسی - راهنمای آموزشی - - خارجیان
شناسه افزوده	اودل، فلسینی، ۱۹۳۷
شناسه افزوده	O'Dell, Felicity
شناسه افزوده	نورمحمدی، محمود، ۱۳۳۱، مترجم
رده بندی کنگره	۳۳۰-۱۳۹۰ ک ۳۶۳ / PE۱۳۶۰
رده بندی دیویی	۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی	۲۵۹۰۸۱



نام کتاب: کاربرد واژه‌های همجوار در زبان انگلیسی (English Collocations in use)

مترجم: محمود نورمحمدی

طراحی و صفحه آرایی: مرجان کاظمی

طراح جلد: مرجان کاظمی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۱۴-۲۶-۴

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

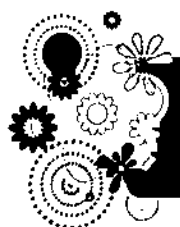
لینوگرافی و چاپ: فجر نور- هنر

ناشر: انتشارات پرک صندوق پستی: ۳۴۱۸۵-۱۷۹۱ تلفن: ۰۲۸۱-۳۶۲۳۵

آدرس خانه زبان: خیابان نادری، خیابان امیرامجد، کوچه شهید رحمانی نیکونژاد، پلاک ۲۴

تلفن: ۰۲۸۱-۲۲۴۶۹۳۹ فکس: ۰۲۸۱-۲۲۲۸۶۸۹ سایت: www.KhanehZaban.net

مرکز پخش:



فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۴	درس ۳۳: نوشته تحصیلی و دانشگاهی ۲..... ۱۱۹
درس ۱: همجواری واژگان چیست؟..... ۶	درس ۳۴: ۱۲۳
درس ۲: پیدا کردن، ثبت و یاد گرفتن همجواری واژگانی..... ۹	درس ۳۵: جرم..... ۱۲۷
درس ۳: از فرهنگ لغت خود استفاده کنید..... ۱۲	درس ۳۶: اخبار..... ۱۳۱
درس ۴: انواع همجواری واژگانی..... ۱۴	درس ۳۷: پول..... ۱۳۵
درس ۵: ارزش سیکی..... ۱۸	درس ۳۸: جنگ و صلح..... ۱۳۹
درس ۶: شدت دادن قیود..... ۲۲	درس ۳۹: مشکلات مربوط به کره زمین..... ۱۴۳
درس ۷: افعال متداول روزمره..... ۲۵	درس ۴۰: زمان..... ۱۴۶
درس ۸: افعال متداول روزمره ۲..... ۲۸	درس ۴۱: صدا..... ۱۵۰
درس ۹: افعال متداول روزمره ۳..... ۳۱	درس ۴۲: فاصله/ مسافت و اندازه..... ۱۵۳
درس ۱۰: واژه‌های مترادف و اشتباه‌آمیز ۱..... ۳۵	درس ۴۳: رنگ و نور..... ۱۵۶
درس ۱۱: واژه‌های مترادف و اشتباه‌آمیز ۲..... ۳۹	درس ۴۴: ترکیب/ احساس لمسی/ نحوه احساس لمسی (سطح چیزی)..... ۱۶۰
درس ۱۲: استعاره/ مجاز..... ۴۲	درس ۴۵: مزه و بو..... ۱۶۴
درس ۱۳: هوا..... ۴۵	درس ۴۶: عدد/ تعداد و کثرت..... ۱۶۸
درس ۱۴: مسافرت..... ۴۸	درس ۴۷: حرکت و سرعت..... ۱۷۲
درس ۱۵: حومه سرسبز..... ۵۱	درس ۴۸: تغییر..... ۱۷۶
درس ۱۶: شهرها و شهرستان‌ها..... ۵۵	درس ۴۹: سبک‌های گفتاری..... ۱۸۰
درس ۱۷: افراد: شخصیت و رفتار..... ۵۸	درس ۵۰: شیوه‌های راه رفتن..... ۱۸۴
درس ۱۸: افراد: فیزیک ظاهری..... ۶۲	درس ۵۱: شروع کردن و پایان بردن..... ۱۸۸
درس ۱۹: خانواده‌ها..... ۶۶	درس ۵۲: صحبت کردن درباره موقعیت و شکست..... ۱۹۱
درس ۲۰: روابط..... ۷۰	درس ۵۳: گفتگو درباره علت و معلول..... ۱۹۵
درس ۲۱: احساسات و عواطف..... ۷۳	درس ۵۴: بیاد آوردن و حسن کردن..... ۱۹۸
درس ۲۲: خانه‌ها، آپارتمان‌ها و اتاق‌ها..... ۷۷	درس ۵۵: موافقت کردن و موافقت نکردن..... ۲۰۲
درس ۲۳: خوردن و نوشیدن..... ۸۱	درس ۵۶: صحبت کردن درباره باورها و نظرات / عقاید..... ۲۰۶
درس ۲۴: فیلم‌ها و کتاب‌ها..... ۸۵	درس ۵۷: تصمیم گرفتن و انتخاب کردن..... ۲۱۰
درس ۲۵: موسیقی..... ۸۸	درس ۵۸: ادعا کردن و انکار کردن..... ۲۱۴
درس ۲۶: ورزش..... ۹۱	درس ۵۹: دوست داشتن و دوست نداشتن..... ۲۱۸
درس ۲۷: سلامتی و بیماری..... ۹۵	درس ۶۰: تعریف کردن و ایراد گرفتن..... ۲۲۲
درس ۲۸: کامپیوتر..... ۹۹	جواب‌ها..... ۲۲۶
درس ۲۹: تحصیل و یادگیری..... ۱۰۳	اینده کس..... ۲۶۵
درس ۳۰: کار..... ۱۰۷	
درس ۳۱: کسب و کار..... ۱۱۱	
درس ۳۲: نوشته تحصیلی و دانشگاهی ۱..... ۱۱۵	



پیشگفتار

شاید یکی از مهم‌ترین مهارت‌های فراآموزش شده در یادگیری زبان انگلیسی، قرار گرفتن دو یا گروهی از واژه‌ها در کنار هم است که اغلب با هم به کار می‌روند، به عبارت دیگر همجواری واژگان «collocation» در زبان انگلیسی است. متأسفانه گاهی زبان‌آموزان از آن اطلاع ندارند و اگر هم دارند اهمیتی برای یادگیری آن قابل نیستند، زیرا اکثر زبان‌آموزان ایرانی عادت به حفظ کردن واژه‌هایی مانند قید، صفت، اسم و غیره به صورت انفرادی دارند، به همین دلیل در بیش‌تر مواقع یک واژه با یک معنی را یاد می‌گیرند و به همین شیوه آن را در تمام موقعیت‌ها به کار می‌برند. برای روشن شدن این مسئله در اینجا به چند نمونه بسنده می‌کنیم. برای مثال به صفت شهید با اسامی زیر توجه کنید:

strong wind	باد شدید	violent storm	توفان شدید
heavy rain/ snow	برف / باران شدید	extense heat	حرارت شدید
sharp pain	درد شدید	harsh criticism	انتقاد شدید
severe punishment	تنبيه شدید		

در بیش‌تر موارد کاربرد اشتباه آن‌ها در کنار هم باعث خنده می‌شود، شاید در زبان فارسی هم به کار بردن جا به جای واژه‌های همجوار مضحک به نظر برسد، برای مثال، شتر مرغ را شتر خروس، خرگوش را الاغ گوش، خر بزه را الاغ بزه و یا خرگوسفند بگویم. هزاران نوع از این جا به جایی‌ها در هر زبانی مضحک و یا بی‌معنی خواهد شد. یکی از شاخص‌ترین و جالب‌ترین موارد راجع به تبدیل افعال به اسامی در زبان انگلیسی است که در این صورت دیگر از افعال قبلی استفاده نمی‌شود در عوض فعل جدیدی با آن‌ها به کار می‌رود برای مثال decide به صورت review, make a decision به صورت cry, make a revision به صورت look give a cry به صورت have a look و serve به صورت perform a service به مثال‌های زیر توجه کنید:

accuse فعل
 make an accusation
 bring/ level an accusation
 face an accusation
 deny an accusation
 argue فعل
 have an argument
 get into an argument
 become involved in an argument
 start an argument
 cause an argument

answer فعل
 give (sb) an answer
 get/ receive an answer
 wait for an answer
 avoid an argument
 win an argument
 lose an argument
 an argument breaks out
 an argument erupts

به نمونه‌های دیگر «nouns and verbs» (اسامی و افعال) و غیره توجه کنید:

nouns and verbs (اسامی و افعال)

The company has grown and now employs 50 more people than last year.

The company has expanded and now has branches in most major cities.

noun + noun (اسم + اسم)

a cup of tea, a tube of tooth paste a tin of sardine

verbs and expressions with preposition (افعال و عبارت‌های همراه حرف اضافه)

His parents swelling with pride (= looking extremely proud)

The little girl burst into tears (suddenly started crying)

verbs and adverbs (افعال و قیود)

She pulled steadily on the rope and helped him safely (pulled firmly and evenly)

He placed the beautiful vase gently on the window ledge.

adverbs and adjectives (قیود و صفات)

They are happily married.

I am fully aware.

Harry was blissfully unaware.

بنابراین، ابتدا برای نشان دادن اهمیت یادگیری «collocations» همجواری واژگانی و سپس برای خود یادگیری آن‌ها اقدام به ترجمه این اثر نمود. چون همیشه در انتخاب اثری برای ترجمه، دشواری آن از نظر درک و استفاده زبان‌آموزان مدنظر قرار می‌گیرد ترجمه این اثر هم بدین منظور صورت گرفت. امید است مورد استفاده علاقمندان قرار گیرد.

در خاتمه لازم می‌دانم از خانم هاجر دهقان‌نژاد به خاطر تایپ و از خانم مرجان کاظمی به خاطر طراحی و صفحه‌آرایی هنرمندانه و از خانم صونا نیک‌مردنمین به خاطر ویرایش صمیمانه فکردانی و تشکر نمایم.

What is a collocation?

همجوارى واژگان چیست؟

We say ... ما می‌گوییم ...	We don't say ... ما نمی‌گوییم ...
fast cars	quick cars
fast food	quick food
a quick glance	a fast glance
a quick meal	a fast meal

همجوارى واژگانی یک زوج و یا گروهی از واژگان است که اغلب با یکدیگر به کار می‌روند این همجوارى‌ها برای انگلیسی زبان‌های اصیل طبیعی است، اما فراگیران زبان انگلیسی باید تلاش ویژه‌ای داشته باشند تا آن‌ها را یاد بگیرند، چون که حدس

زدن واژه‌ها و یا گروه‌های واژگانی همجوار اغلب دشوار است. برخی از ترکیبات برای متکلمین انگلیسی زبان اشتباه بنظر می‌رسد. برای مثال صفت fast همسایگی cars را می‌پذیرد، اما همسایگی a glance را نمی‌پذیرد.

یادگیری واژه‌ها و یا گروه‌های واژگانی بخش بسیار مهمی در یادگیری واژگان یک زبان است. برخی از این واژه‌ها و یا گروه‌های واژگانی قطعی و یا بسیار قوی هستند. برای مثال take a photo، جایی که هیچ واژه‌ای به جز take یا photo، همسایگی را نمی‌پذیرد تا همان معنی را بدهد. برخی از این همسایگی‌ها بازر هستند، جایی که چندین واژه متفاوت ممکن است مورد استفاده قرار گیرند تا معنی مشابهی را ارایه کند. برای مثال keep to/ stick to the rules در زیر مثال‌های بیش‌تری راجع به همجوارى آمده است.

You must make an effort and study for your exams (NOT do an effort)

Did you watch TV last night? (NOT look at TV)

This car has a very powerful engine. It can do 200 km an hour. (NOT strong engine)

There are some ancient monuments nearby. (NOT antique monuments)

گاهی، یک زوج واژگانی ممکن است اصلاً اشتباه نباشد، و افرادی متوجه شوند منظور چیست، اما ممکن است همجوارى طبیعی و متداول نباشد. اگر کسی بگوید I did a few mistakes، اما افراد وارد به زبان انگلیسی قطعاً می‌گویند: I made a few mistakes.

Compounds and idioms (چند کلمه‌ای‌ها و اصطلاحات)

چند کلمه‌ای‌ها واحدهای معنایی هستند که از دو واژه یا بیش‌تر ساخته می‌شوند. گاهی واژه‌ها به صورت جداگانه، گاهی با خط تیره و گاهی هم به صورت یک واژه نوشته می‌شوند. معمولاً معنی یک چندکلمه‌ای را با حدس زدن معنی واژه‌ها به صورت انفرادی می‌توان فهمید. مثال‌هایی از چند کلمه‌ای‌ها عبارتند از:

car park, post office, narrow- minded, shoelaces, teapot.

جدا کردن همجوارى واژگانی از چند کلمه‌ای‌ها آسان نیست، جایی که برای فراگیران مفید بوده و یا قسمت مهمی از موضوع واژگانی است. ما برخی از چندکلمه‌ای‌ها را نیز در این کتاب گنجانده‌ایم. اصطلاحات گروهی از واژه‌ها هستند که در نظم و ترتیب خاصی قرار دارند. دارای معنی هستند که با دانستن معنی واژگان به صورت انفرادی نمی‌توان معنی آن را حدس زد، برای مثال pass the buck یک اصطلاح است و به معنی از زیر کار در رفتن و یا مسوولیتی را به عهده دیگری گذاشتن و از زیر بار مسوولیت فرار کردن است.